

روش آتیه مجموعه حقوقی

در کشور ما در رشته هائی از دانش که احتیاج به بحث و فحص زیاد دارد مانند فلسفه و حقوق دانشمندان بزرگ همیشه وجود داشته و آثار جاویدانی در فلسفه و قضا از خود باقی گذارده اند.

قرآن کتاب مذهبی ایران با احکام حقوقی و کیفری زیادی که متضمن است انقلاب فکری بزرگی در دنبال خود ایجاد و ادبیات فراوانی بوجود آورد. ایران همیشه مهد دانشمندان در شعب فلسفه و حقوق بوده است و امروزه هم دانایان بزرگی در حقوق داریم که بواسطه عدم تشویق و گرفتاریهای زندگی و دلسردی ها دانش خود را در سینه ها محفوظ نگه داشته و بر صفحه کاغذ نمیآورند.

اکنون که بواسطه آزادی قلم و فکر میتوان در مباحث مختلف حقوقی وارد شده و بحث کرد دلیلی بر خاموشی و عذری برای این سکوت باقی نیست، در کشورهای زنده جهان علمای حقوق از طرح مسائل تازه و بحث درباره آن و مجادله قلمی و طرح تئوریهای نوین لذت میبرند مکتب های مختلف و تئوریهای گوناگون با ادله فراوان در هر موضوع وجود دارد، مقالات و کتابها مینویسند، سخنرانیها میکنند و این مجادله ها دلیل حیات و زندگی است.

ما چرا مرده باشیم. مگر موضوعات تازه هر روز در کشور ما پیدا نمیشود که باید مکرر در مکرر راجع به طلاق بائن و رجعی بحث کنیم؟

موضوعات بیمه اجتماعی، تعدیل اجاره بها، راه آهن-زیان مدنی، تفویض اختیارات قانونی، کیفیت کوپن از نظر حقوقی و امثال آن موضوعات تازه ایست که فکر عالم حقوقی را جلب میکنند، فکر را همیشه باید با شهامت در میدانهای تازه سوق داد. اگرچه راه غلطی طی کند بگذاریم سوهان انتقاد بکار افتد تا ذهن ها تیزتر شود.

از شماره آتیه امیدوار است مجموعه حقوقی مجموعه ای از افکار دانشمندان بزرگ کشور باشد.

از قضات فحل و دانشمندان حقوقی تقاضای شرکت در این مسابقه دارد ما فسحت میدان را ابدت آوردیم شما مردانه که میزنید. دکتر امین ف

قانون گذاری در اسلام و نفوذ تمدن ایران در آن

پیش از طلوع آفتاب جهانتاب محمدی در اقلیم عربستان ساکنین آن سامان بدوی و صحراگرد بودند. نظامات سیاسی و اجتماعی آنان با ملتهای دیگر گیتی اختلافات نمایانی داشت و این اختلافات ناشی از يك سلسله احتیاجات و تمایلات و احساسات مخصوصه باقوام عرب بود که قانون وراثت بعد از مرور زمانهای دراز در آن قوم ایجاد کرده بود. هر گروهی تشکیل قبیله‌ئی داده و دارای سنن و نظامات مخصوص بخود بودند که آن قواعد و سنن بین طایفه واجب‌الرعايه بود و رئیس هر قبیله از بین اصیل‌ترین اشخاص بریاست طایفه برگزیده میشد و گاهی هم سالخوردگی و یا دانش موجب ریاست و برتری اشخاص میگردد. این قواعد و سنن گاهی باقبایل دیگر و فوق میداد و گاهی هم از حیث عادت و قاعده بکلی متباین و متمایز بود. هر يك از قبایل حاکم و یا قاضی داشتند که بین آنان حکومت و دادرسی میکردند. این قضات از بین دانشمندترین اشخاص انتخاب میگرددند ولی دادرسی آنان قاعده و قانون معینی نداشت و فقط از روی عادت و تجربه و یا تقلید و مقتضیات حکم داده میشد و دعا و ویرا از روی فکر و اندیشه خود قطع و فصل مینمودند گاهی هم از روی دیانت یهود که پایه آن روی قانون حامورابی استوار بود و یا قوانین ایران و روم حکم داده میشد. بیشتر احکام اهالی حجاز از روی دیانت یهود بود که با آنان معاشرت زیاد داشتند و احکام سایر قبایل عرب از روی سنن ملی خویش و یا از روی قواعد و قوانین ایران و روم بود این بسته به مجاورت آن قبیله بیکدیگر از این دو امپراطوری بود. اگر محکوم از اجرای حکم سرپیچی مینمود موجب خشم و غضب تمام قبیله میگردد ولی در عین حال احکام قضات ضمانت اجرائی نداشت. در مکه نسبت بسایر نقاط عربستان بهتر دادرسی میشد زیرا يك عده ده نفری از بین بزرگان و محترمین طوایف مختلفه انتخاب شده بودند که وظایف تولیت کعبه را انجام میدادند و ضمناً بدعاوی طوایف هم رسیدگی میکردند و چون با یهودیان سرو کار زیادی داشتند آراء آنها بیشتر از روی احکام

تورات صادر میشد و بهمین جهت از احکام سابقین بهتر بود. در اواخر حجازیان هم کم شده بودند که نگذارند در شهر مکه بیدادگری روی دهد. خودی و بیگانه و یا خواجه و بنده از هر گروهی که بود اگر مورد بیدادگری واقع میشد همه کمک کرده و احقاق حق او را مینمودند. در عربستان هر کس مرتکب گناهی میشد باید تمام قبیله از عهده آن برآید و این عمل را فصل میگفتند (هنوز هم این قاعده میان قبایل عرب معمول است). در آن زمان قضات عالی مقامی هم در میار طوایف عرب پیدا شده بودند که احکام آنان در کلیه شبه جزیره عربستان متبع بود و همه از آنان فرمان برداری میکردند و مشهورترین آنان ابوطالب و ابوبکر و اکثم ابن صیفی بود که در تمام شبه جزیره عربستان شهرت بسزائی پیدا کرده و آرائشان مورد قبول عموم واقع شده بود.

از میان همین مردمان و چنین محیطی یکی از بزرگترین قانون گذاران و مصلحین جهان ظهور کرد و بر اثر آن روزگار تیره بختی اعزاب سپری و زندگانی نوین آنان آغاز شد. سیر تاریخ تغییر کرد و اوضاع عربستان بلکه قسمت بزرگی از جهان دیگرگون شد. بدبختترین مردمان گیتی خوشبختترین مردمان گردیدند. پیغمبر اسلام شروع بقانون گذاری نمود و قرآن در ظرف ۲۳ سال نازل شد. دو نلک آن در مکه و يك نلک در مدینه و خی گردید ولی قوانین کیفری شئون اجتماعی (مدنی) بیشتر در مدینه نازل شد. پیشوای اسلام مرد مرا در مکه بخدا پرستی و دین اسلام دعوت فرمود ولی بیشتر آیات که در آنجا نازل شده راجع به مبادی اسلام و اصول دین است و آیاتی که مشعر بر قانون است در آنجا کم نازل شده. در قرآن شش هزار آیه است که فقط دو بیست آیه از آنها قانون محسوب میشود و این آیات بیشتر بر اثر حدوث واقعه نبی وضع گردیده است. در قرآن راجع به بسیاری از امور قانون گذاری تجدد و اصلاح را در نظر گرفته و قوانین جاهلیت را نیز در معرض انتقاد قرار داده و بیشتر آنها بتدریج از میان برداشته و اخلاقی نموده است. پیغمبر اسلام در قانون گذاری بدادگری

توجه شایانی نموده و آنرا از صفات بارزه الهی قرار داده است چنانکه در جایی میفرماید « یاداود انا جعلناک خلیفتم فی الارض فاحکم بین الناس بالحق » و نیز در تغییر اخلاق عرب و سوق آنان از عالم جاهلیت بسوی مدنیت و اسلامیت زحمات و رنجهای بسیار کشیده، دچار اشکالات عدیده شده است.

پس از رحلت پیغمبر کشور اسلام رو بتوسعه نهاد. از شبه جزیره عربستان تجاوز کرده ابتدا به کشورهای همسایه سرایت نموده و طولی نکشید که برق آسا خاور و باختر کیتی را احاطه کرده، پرچم اسلام در اقصی نقاط کیتی باهتر از درآمد. از اندلس گرفته تا قلب چین در قلمرو اسلام درآمد. در این عرصه پهناور ملت‌های مختلف با تمدنهای گوناگون بسر میبردند. مبادی و تعالیم عالیه اسلام بطوری این ملت‌ها را بهم نزدیک کرد که کوئی هیچگونه اختلافی در بینشان موجود نبوده و همه میوه یک شاخسار بوده‌اند.

در زمان پیغمبر مردم دعاوی خود را بآن حضرت رجوع میکردند و گاهی هم مردمانیکه هنوز ایمانشان کامل نشده بود بدیگران رجوع میکردند. پس از رحلت پیغمبر ابوبکر شخصاً بدعاوی مردم رسیدگی میکرد. در زمان خلیفه دوم چون کشور اسلام رو بتوسعه نهاده بود خلیفه مسلمانان با کمال دقت برای هر شهر و دیاری قاضی مخصوصی نصب نمود و سعی بلیغ داشت که قضات از میان مردمان دیندار و با تقوی و دانشمند انتخاب شوند و او نخستین کسی بود در اسلام که دعاوی مسلمانان را بقضات واگذار نمود. خلیفه سوم بجهاتی که از بحث ما خارج است چندان دقتی در انتخاب قضات صالح ننمود و بهمین جهت مردمان ناصالح روی کار آمدند و امور قضائی مردم بر اثر آن مختل گردید. برخلاف او علی ابن ابیطالب امیر المؤمنین شخصاً در امر قضا دخالت فرمود و نیز مردمان با فضیلت و تقوی را به منصب قضا منصوب و قضاتی که بفساد اخلاق و ارتشاء مشهور شده بودند معزول کرد.

در ابتدا انتظامات امور قضائی و ترتیب تشکیل محاکم در میان مسلمانان خیلی

ساده بود یکمفر قاضی از طرف خلیفه وقت منصوب میشد. او هم به تمام دعاوی مردم از حیث حقوقی و کیفری شخصاً رسیدگی میکرد و حکم او قطعی و بلافاصله قابل اجرا بود. اصحاب دعوی شخصاً نزد قاضی رفته و طرح دعوی و اقامه دلیل و بینه میکردند، و قاضی هم در همان جلسه رسیدگی کرده حکم میداد، مبادی عالیه و تعالیم اسلامی عقل عرب را پرورانیده و ترقی داد. تشکیلات قضائی مسلمانان دوش بدوش سایر شئون سیاسی و اجتماعی رو بترقی نهاد و دارای درجاتی گردید که با اصطلاح امروزه میتوان نام آنرا پژوهش و فرجام نهاد.

بعد از خلفای راشدین خلفای اموی روی کار آمدند ولی غیر از عمر ابن عبدالعزیز که مردی دیندار و باتقوی بود سایرین چندان پابست بقوانین اسلام نبودند و بیوسته غرق در شهوات و لذات دنیوی شده و فرصت رسیدگی بامور مسلمانانرا نداشتند ولی در آندوره شرع و قانون اسلام بخودی خود ترقی نمود. نخستین کسی که در اسلام امر به جمع آوری و تدوین قوانین و احادیث اسلامی نمود عمر ابن عبدالعزیز بود. عمر ابن عبدالعزیز مثل خلفای راشدین در نصب قضات دقت بسیار میکرد ولی این هم دیری نپائید و دولت مستعجل بود.

پس از مرگ پیغمبر که در وحی و تنزیل بسته شد و کشور اسلامی بسرعت رو بتوسعه نهاد و مسلمانان با ملتهای بزرگ و متمدن مثل ملتهای ایران و روم سروکار پیدا کردند؛ و کشور اسلامی قسمت بزرگی از بسیط خاک را احاطه نمود اعراب از این راه ثروت هنگفتی به چنگ آوردند که پیش از آن مانند نداشت و بسبب فتح و تصرف ممالک متمدنه بر علوم و آداب آنان افزوده شد زیرا مللی که زیر پرچم اسلام درآمد بودند بوضع قوانین احتیاج زیاد داشتند و اعراب نیز چون این کشورهای پهناور را گشودند ناگزیر بودند که تمدن و جهانداریرا از آنان بیاموزند. در بدو اسلام جنبش دینی بر سایر جنبشها برتری داشت و مردم فقط به تفسیر قرآن و فهم معانی آن میپرداختند ولی پس از چندی رفته رفته جنبش علمی شروع گردید زیرا

ممالک مفتوحه تماماً آباد و ثروتمند بودند و تمدن ایران و روم بطوری آنان را خیره کرده بود که سراز پا نمی شناختند و بهمین جهت اعراب با شئون مختلفه زندگی سروکار پیدا کرده و محتاج بقواعد و قوانین جدیدی بودند که رفع احتیاجات کلیه مسلمانانرا بنماید زیرا زندگانی ملت‌های متمدن از قبیل آبیاری و وضع مالیات و لشکر کشی و دادرسی و سایر شئون اجتماعی محتاج بوضع قواعد و قوانین تازه تری بود که قبلاً پیش‌بینی نشده بود و زندگانی ساده اعراب بادیه نشین با آن سازگار نبود. گرچه بیشتر ملت‌های مغلوب در برابر مبادی عالییه اسلامی سر تواضع و تکریم فرود آورده بودند ولی اعراب باوضع تشکیلاتشان نمیتوانستند خودرا از قوانین و نظامات ملت‌های مغلوب بی‌نیاز بدانند و چون قوانین و نظامات هر ملت مولود احتیاجات و تمایلات آن ملت است اعراب احساس نمودند که نظامات پیش‌رفع احتیاجات کلیه مسلمانان را نمیکند. نژادهای مختلف و محیط و عوامل زندگی در میان آنان ایجاب مینمود که بقواعد و نظامات ملت‌های مغلوب بیشتر عطف توجه بشود. بهمین جهت بدو فقها و قانون گذاران و حکام اسلامی دچار اشکالات زیاد شدند و در امریکه نص صریح برای آنها وارد نشده بود یکی از سخت‌ترین مشکلات را ایجاد کرده بود ولی کم‌کم متوجه شدند نمیتوانند بعلمت نبودن نص خاص امور این ملت‌های بزرگ را مختل بگذارند. این بود کسانیکه عهده‌دار منصب قضا بودند بنا را بر اجتهاد گذاشتند و در امریکه منصوص نبود موافق ذوق و سلیقه و فهم خود رفتار مینمودند و این رویه قانون محسوب شده و نمونه احکام و سرمشق اصول قضائی در میان کلیه مسلمانان گردید و اگر در طی رسیدگی برخورد به مسائل معضله می‌کردند بنا را به مشورت می‌گذاشتند و همینکه رای عموم بریک حکم قرار میگرفت آنرا اجرا میکردند. و این عمل فقها بر طبق حدیث پیغمبر بود که فرموده (اگر حادثه‌ئی رخ دهد که منصوص نباشد دانشمندان و پرهیزکاران را جمع نموده با آنان مشورت کنید مبادا به تنهایی رای بدهید) و چون در قرآن تمام احکام معاملات حقوقی و کیفری و متفرعات آن که روزانه پیش می‌آمد

درج نبود بناچار مسائلی پیش می‌آمد که فقها در حل آن فرو میماندند. فقهای اسلام احکام قرآن و عقیده و رای پیغمبر را که از روی وحی و تنزیل نبود و نیز افعال پیشوایان اسلام را گرد آورده بنام سنت بر آن افزوده و آنرا پایه قانون گذاری در اسلام قرار دادند و اگر برخورد به مسائلی میکردند که نص خاص نداشت بنا بر اجتهاد و قانون رای و قیاس مینهادند ولی فقها حق تبدیل اصول و قوانین مسلمه الهی را نداشتند و فقط راجع به مسائلی که منصوص نبود آزاد و صاحب رای بودند. فقهای اسلام اصول دیانت و فروع احکام را با مقتضیات دوره خود تطبیق کرده و از روی آن حکم میدادند و کلیه دستورات و احکام مذهبی و معاملاتی و کیفری را گرد آورده و تدوین کردند و آنرا اساس قانون مدنی اسلامی در تمام کشور پهناور اسلام قرار دادند. گروه دیگری از پیشوایان اسلام عمل بردای و قیاس را جائز ندانسته و عقیده داشتند در مسائلی که نص خاص نسبت به آن وارد نشده باشد نمیشود حکم داد و فقط آنچه را که منصوص است قابل اجرا میباشد. گروه اولی را اهل رای و قیاس و گروه دومی را معتقدین بحدیث میخواندند و میان این دو دسته اختلافات شدیدی رخ داده که نتیجه آن توسعه و بسط فقه اسلامی گردید (هنوز هم پیروان این دو عقیده بنام اصولی و اخباری میان مسلمانان وجود دارند).

چون بسیاری از ملتهای مغلوب اسلام را پذیرفتند و دارای تمدن و فضایی بودند قوانین و نظامات اسلامی را با علوم و فضایل خود مخلوط نموده يك تمدن پردانه و عظیمی را تشکیل دادند و تعالیم عالیه اسلامی نیز در کشورهای مفتوحه اثرات خود را ظاهر ساخته و کم کم محیط همان تعالیم را تحت تأثیر خود قرار داد. چون ایرانیان دارای تمدن و عظمت تاریخی بودند و دولت و تشکیلات منظمی داشتند در نشر علوم و سیاست مداری نسبت بسایر ملتهای مغلوب به تمدن اسلامی و قانون گذاری بیشتر خدمت نمودند. حتی فقه اسلامی ابتدا از بصره که خاک ایران بود شروع گردید در دوره بنی عباس ایرانیان در تمام شئون سیاسی و اجتماعی و علمی مسلمانان دخالت

داشتند. تمدن اسلامی با حکمت و دانش ایران بهم درآمیخته و بصورت نوینی درآمد که در تاریخ هلال گیتی نظیر آن دیده نشده است. بیشتر فقهای اسلام ایرانی اصل و یا تربیت شده ایرانی بودند. حسن بصری و احمد خلیلی و ابوخلیفه که شاگرد امام جعفر صادق بود و محمد سیرین و عطاء خراسانی و امام فخر رازی از قانون گذاران و فقهای ایرانی بودند که هنوز هم عده زیادی از مسلمانان گیتی پیرو رای و عقیده آنان میباشند.

وقتی که دوره خلفای اموی سپری شد خلفای عباسی بدستگیری ایرانیان روی کار آمدند و ایرانیان در بیشتر امور مسلمانان دخالت نمودند و چون متمدن ترین ملت‌های آن زمان بودند و علم و دانش منحصر بآنان بود ناشرین علوم و فنون در میان کلیه مسلمانان گیتی شدند. علمداران مدنیت و فضیلت و کمال ایرانیان بودند. غیر از ایرانیان کسی رغبت به جمع آوری و تدوین علوم و ترجمه و تألیف کتب علمی و فلسفی نداشت و در این زمان اعراب و سایر مسلمانان گیتی کاملاً در سیاست و جهانداری و سایر شئون اجتماعی تحت تأثیر و نفوذ نظامات و قوانین و مدنیت ایران درآمدند. تشکیلات دولت عرب رنگ و بوی تشکیلات ایران را بخود گرفت. اگر کسی وارد دارالخلافه بغداد میشد خود را در میان پای تخت شاهنشاهان ساسانی میدید. حتی قضات و نویسندگان و درباریان روزهای عید نوروز و مهرگان لباس ایرانی طبق تشکیلات دولت ساسانی دربر میکردند. در آن زمان تجلیات روح با عظمت ایرانی آغاز بخودنمایی نموده غالب مغلوب و مغلوب غالب گردید بهر قسمتی از مظاهر تمدن اسلامی که نظر میشد اثری از مدنیت ایران در آن نمودار بود. یکی از برگزیده ترین نژاد ایرانی که در آن دوره در بیشتر از شئون علمی و فلسفی مسلمانان دخالت نموده عبدالله مقفع دانشمند ایرانی بود که در زمان منصور خلیفه عباسی میزیست. این دانشمند بزرگ علاوه از یک رشته خدمات گرانبهای علمی که به مدنیت اسلام نموده لزوم یک قانون

تشکیلات قضائی آندوره را مورد انتقاد سخت قرار داده و پیشنهاد نمود که فقها حق وضع قانون را ندارند و باید نظریات خود را راجع باصلاح امور قضائی بزمامداران وقت پیشنهاد کنند تا آنان در صورت اقتضا قوانین لازمه را وضع نمایند و اگر در وضع قانون نص صریح نباشد از روی عقل و عدالت و مقتضیات مصالح عامه عمل گردد و عقیده داشت که قضات از میان مردمان خردمند و پرهیزکار و درستکار باید انتخاب شوند و نیز قاضی باید از طبقه نجبا که دارای اصل پاک و تربیت خوب هستند باشد و دولت باید در اعمال قضات مراقبت و تفتیش کامل نماید و خائنین را عزل و خادمین را تشویق کند. پیشنهادات و نظریات ابن مقفع بی اثر نماند و خلیفه وقت تصمیم گرفت که پاره‌ئی از نظریات او را بموقع اجرا گذارد. خلاصه آنکه روح بزرگ و فنا ناپذیر ایرانی در هر عصر و زمانی به نحوی جلوه گری نموده و در برابر سخت‌ترین حوادث گیتی ایستادگی کرده و پایدار مانده‌است. ایرانی سلسله‌جنبان تمدن اسلامی بوده و بزرگترین خدمات را به مدنیت کرده که هنوز هم اثرات آن در جهان باقی است. اسلامیت در شئون مختلفه مردم گیتی تأثیر نموده و ملل اسلامی نیز آداب و رسوم خود را داخل آن کردند و هر يك از آندو تحت تأثیر یکدیگر درآمد و يك نفع قانون که شایسته زندگانی ملت‌های زنده و متمدن است ایجاد کردند ولی بکه‌تاز ابن عرصه پهناور نژاد پاک ایرانی بود که در رأس بیشتر امور سیاسی و اجتماعی مسلمانان قرار گرفته و از پرتو آن بزرگترین مدنیت بوجود آمد و میتوان گفت تمدن فعلی غرب هنوز مرهون بآن میباشد.

۲۱/۱۰/۲۱ منوچهر بزرگ‌مهری وکیل پایه یک دادگستری